

«به نام خداوند جان و خرد»

اصطلاحات زندگی دین و زندگی 3 (پایه دوازدهم)

- 1- **نور بودن خداوند:** یعنی تمام موجودات وجود خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می شوند.
- 2- **توحید:** به معنای اعتقاد به خدای یگانه است؛ یعنی خداوند بی همتا است و شریکی ندارد و این بیانگر اصل توحید است.
- 3- **توحید در خالقیت:** توحید در خالقیت عبارت از این است که معتقد باشیم خداوند تنها مبدأ و خالق جهان است؛ موجودات همه مخلوق او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد.
- 4- **توحید در مالکیت:** از آنجا که خداوند تنها خالق جهان است پس تنها مالک آن نیز هست؛ زیرا هر کس که چیزی را پدید می آورد، مالک آن است.
- 5- **توحید در ولایت:** هر کس مالک چیزی باشد حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارد، اما دیگران بدون اجازه وی نمی توانند در آن تصرف یا از آن استفاده کنند. به این حق تصرف، ولایت و سرپرستی می گویند. از آنجا که خداوند، تنها مالک جهان است تنها ولی و سرپرست جهان نیز هست و مخلوقات، جز به اجازه او نمی توانند در جهان تصرف کنند. چنین اجازه ای به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست بلکه بدین معناست که خداوند آن شخص را در مسیر و مجری ولایت خود قرار داده است.
- 6- **رب:** رب به معنای مالک و صاحب اختیاری است که تدبیر و پرورش مخلوق به دست اوست.
- 7- **توحید در ربوبیت:** از آنجا که خداوند تنها خالق، مالک و ولی جهان است، تنها رب هستی نیز می باشد. اوست که جهان را اداره می کند و آن را به سویی مقصدی که برایش معین فرموده است هدایت می نماید و به پیش می برد.
- 8- **شرك:** شریک قراردادن برای خداوند است.
- 9- **مشرک:** هر کس معتقد باشد خداوند شریک دارد مشرک به حساب می آید.
- 10- **شرك در خالقیت:** اگر کسی معتقد باشد که این جهان را چند خالق آفریده اند، گرفتار شرك در خالقیت شده است.
- 11- **شرك در مالکیت:** اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک بخشی از جهان هستند. اگر کسی معتقد شرك در خالقیت باشد، معتقد به شرك در مالکیت نیز خواهد بود.
- 12- **شرك در ولایت:** اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می باشند.
- 13- **شرك در ربوبیت:** اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که تدبیر امور موجودات را بر عهده دارند. اگر کسی در کنار ربوبیت الهی برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه ای باز کند و گمان کند که کسی می تواند مستقل از خداوند امور را تدبیر کند گرفتار شرك در ربوبیت شده است.
- 14- **زندگی توحیدی:** شیوه ای از زندگی است که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد.
- 15- **توحید عملی در بعد فردی:** هر کس در زندگی خود از فرمان های خدا اطاعت کند، گام در مسیر توحید عملی گذاشته است چنین فردی می کوشد، تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیت های خود را در جهت خواست و رضایت الهی قرار دهد. مثلاً در انتخاب همسر، شغل، دوست، چگونگی تحصیل، تفریح، ورزش، و حتی در انتخاب نوع پوشش و به طور کلی در تمام برنامه های روزانه خود خدا را در نظر می گیرد و تلاش می کند از دایره فرمان های او خارج نشود.

16-شرك عملي در بعد فردي : اگر کسی دل به هوای نفس (بت درون) سپرده و او را معبود خود قرار دهد و اوامرش را به فرمان های خداوند ترجیح دهد یا در کسب رضا بت قدرت های مادی و طاغوت ها (بت های بیرون) بر آید ، گرفتار شرك عملي شده است.

17-توحيد عملي در بعد اجتماعي: بعد اجتماعي توحيد به معنای قرار گرفتن همه نهادها و ارکان يك جامعه یا نظام اجتماعي در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست.

18- شرك عملي در بعد اجتماعي: اگر قرار باشد همه فقط خواسته ها و تمایلات دنیوی خود را دنبال کنند و تنها منافع خود را محور فعالیت اجتماعي قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند.

19-اخلاص از لحاظ لغوي:خالص کردن و پاک کردن يك چیز از غیر آن است.

20-اخلاص در کار برد دینی:اخلاص در کاربرد دینی بدین معناست که شخص عملش را فقط برای رضای خدا و همان گونه که او دستور داده است انجام دهد.

21-حسن فاعلي:حسن فاعلي بدین معناست که انجام دهنده کار ، دارای نیت الهی باشد.

22-حسن فعلی: حسن فعلی بدین معناست که کار به درستی و به همان صورت که خداوند فرمان داده است انجام شود.

23-حکمت: حکمت به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می دهد و مانع لغزش و تباهی می شود.

24-مخلص: کسی است که در مسیر قرب الهی قرار دارد.

25-مخلص: کسی است که به مقام قرب الهی رسیده و خداوند او را برای خود برگزیده و شیطان توانایی فریب او را ندارد.

26-اختیار: اختیار به معنای توانایی بر انجام يك کار یا ترك آن است.

27-قَدْر و قَدْر:به معنای اندازه است.

28-تقدیر: تقدیر به معنای اندازه گرفتن است.

29-قضا:به معنای به انجام رساندن ، پایان دادن ،حکم کردن و حتمیت بخشیدن است.

30-معنای قدر و قضای الهی:معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان بر آن قواعد بنا شده است و این قواعد ، توسط انسان قابل یافتن و بهره گیری است.

31-حاکمیت قدر و قضای الهی:این که می گوئیم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه کاری ها و ویژگی ها و قانون هایش از آن خدا و از علم خداست (قدر) و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداوند است.(قضا) به همین دلیل نه در نقشه جهان نقصی هست نه در اجرا و پیاده کردن آن .

32-رابطه عرضی:در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند، مثلاً برای رویش يك گل ، مجموعه ای از باغبان، خاک ،آب، نورو حرارت دست به دست می دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می آورند.یا مثلاً وقتی دو نفر دسته های يك گلدان بزرگ را می گیرند و جا به جا می کنند،هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می کنند ، که باعث جا به جا یی گلدان می شود. در هر دو مثال هريك از این عوامل و عناصر اثر خاصی را مستقل از دیگری اعمال می کند تا گل بروید یا گلدان جابجا شود. این گونه علل را علل عرضی می نامند.

33-رابطه طولی: گاهی تاثیر چند عامل در پیدایش يك پدیده این گونه است که يك عامل در عامل دوم اثر می گذارد و عامل دوم در عامل سوم تاثیر می کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند.(یعنی هر علتی علت بودن خود را از علت بالاتر از خودش می گیرد).مانند نوشتن...

34-سنت های الهی: بر اساس تقدیر الهی، جهان خلقت قانونمند است و پدیده های آن در دایره قوانین خاصی مسیر تکامل خود را می پیمایند این قانونمندی اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را هم در بر می گیرد . قرآن کریم از این قوانین باعنوان سنت ای الهی یاد کرده است و مردم را به شناخت آن ها به خصوص سنت های مربوط به زندگی انسان دعوت کرده است.

35-ابتلاء: ابتلاء در لغت به معنای امتحان است.

36-سنت ابتلاء: ابتلاء در اصطلاح دینی به معنای قرار دادن فرد در شرایط و موقعیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آنچه را ادعا کرده مشخص سازد.

37-سنت امداد عام الهی: وقتی انبیا مردم را به دین الهی فرا می خوانند مردم در برابر دعوت دو دسته می شوند: دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند و دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می ایستند. خداوند، سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کس، هر کدام از این دو راه را برگزیند، بتواند از همین امکاناتی که خداوند در اختیارش قرار داده (مانند قدرت اراده، توان جسمی و فکری ، امکانات موجود در جهان خلقت) استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است به پیش رود و باطن خود را آشکار کند . در واقع پیروان حق امکانات و لوازم رسیدن به خواسته ها و امکانات رسیدن به حق را می یابند و مراتب کمال را می پیمایند و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش می کند همان را به دست می آورد.

38-امداد خاص (توفیق الهی): در اصطلاح دینی ، توفیق به معنای آسان نمودن است. یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می دهد خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می سازد که بتواند آسان تر به مقصد برسد.

39-سنت سبقت رحمت الهی بر غضب الهی: از آنجا که خداوند به بندگان خود محبت دارد ، با همه آنان ، چه نیکوکار و چه گناهکار به لطف و مهربانی رفتار می کند . او به بندگان خود اعلام می کند که: پروردگار شما ، رحمت را بر خود واجب کرده است

40-املاء و استدراج: خداوند برای انسانی که دام گناه می افتد ، شرایطی را فراهم می کند که بتواند توبه کند و از گناه دوری نماید . حتی اگر بارها گناه کرده و توبه نموده، باز هم خداوند از گناه او می گذرد . اما اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجاجت ورزند ، خداوند به آنها فرصتی می دهد و بر امکانات و نعمت های آنان می افزاید و آنها این فرصت ها و نعمت ها را وسیله غوطه ور شدن در گناهان قرار می دهند به طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حق در دلشان بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار می شوند. در حقیقت مهلت ها و نعمت ها ، با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای آسمانی جلوه گر شده و باعث می شود بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین تر شود و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک تر شود ، این سنت که از جمله سنت های حاکم بر زندگی معاندان و غرق شدگان در گناه است سنت املاء و استدراج نام دارد.

41-سنت تاثیر اعمال بر سرنوشت: رهنمودهای قرآن کریم و پیشوایان دین بیانگر آن است که آینده زندگی هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می دهد ، در موارد بسیاری تحت تاثیر رفتارهای گذشته او، اعم از رفتارهای خوب و بد است.

42-توبه: تصمیم های جدید همواره برای تکمیل پیمانهای قبلی و پیمودن ادامه راه نیست، بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیان باری بر جا گذاشته است این تصمیم ها توبه نام دارد.

43-انقلاب علیه خود: پیروی از عقل ، علیه تمایلات ناپسند خود و قیام و انقلاب کردن است.

44-توبه از لحاظ لغوی: توبه در لغت به معنای بازگشت است.

45-توبه انسان (توبه فردی): بازگشت از گناه به سوی خداوند و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران است.

46-توبه خداوند: با بازگشت بنده گناهکار، خداوند نیز به سوی او باز می گردد و درهای رحمتش را به سویش می گشاید و آرامش را به قلب او باز می گرداند.

47-پیرایش یا تخلیه: گناه الودگی است و توبه ، پاک شدن از آلودگی هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شستشو می دهد . به همین جهت این عمل را پیرایش یا تخلیه نیز می گویند.

48-تسویف: تسویف از ریشه (ستوف) و به معنای امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است. به عبارت دیگر فرد گناهکار دایما به خود می گوید به زودی توبه می کنم و این گفته را آن قدر تکرار می کند ، تا اینکه دیگر میل به توبه در او خاموش می شود.

49-توبه اجتماعی: اگر جامعه در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت خداوند خارج شود ، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح، یعنی نیازمند توبه اجتماعی است.

50-فرهنگ: روح حاکم بر جامعه و نشان دهنده هویت و شخصیت آن است.

51-استعمار: آباد کردن